



رفتن فقه به سمت تمدن باید مسبق به شناخت عمیق تمدن باشد / شناخت ظرفیتهای فقه در تحقق تمدن اسلامی

حجت الاسلام والمسلمین احمد مبلغی رئیس مرکز تحقیقات اسلامی مجلس در نشست ...

رئیس مرکز تحقیقات اسلامی مجلس در نشست "ظرفیتهای فقه اسلامی در تحقق تمدن اسلامی" گفت: تعیین "نسبت فقه با تمدن" از رهگذر مطالعاتی عمیق، تأملاتی انبوه شده، فضای علمی پرحوصله و پر رفت و برگشت و گشودن زوایا و ابعادی علمی امکان پذیر است.

به گزارش خبرگزاری مهر، حجت الاسلام والمسلمین احمد مبلغی رئیس مرکز تحقیقات اسلامی مجلس در نشست "ظرفیتهای فقه اسلامی در تحقق تمدن اسلامی" با حضور جمعی از محققان حوزه علمیه قم افزود: نسبت فقه و تمدن از دو زاویه "حضور خود فقه در ساحت تمدن" و "پشتیبانی فقه از علوم دیگر" قابل پیگیری، بحث و تحلیل است.

وی گفت: فقه در قبال علوم دیگر صلاحیت موضع گیری دارد؛ ولی این موضع گیری نباید نسبت به محتوای آن علوم باشد؛ زیرا چنین موضع گیری دخالت در گزاره های علم دیگر است، خصوصا اگر آن علم، کلام باشد که مبنا و پایه و تغذیه کننده فقه است و فقه مشروعیت و هویت خود را از آن باز می ستاند.

وی افزود: خیلی از اندیشه های فقه از سرچشمه کلام سیراب می گردد، در عین حال فقه می تواند نسبت به چگونگی حضور کلام در جامعه، موضع گیری کند، مثل آنکه "ضرورت توسعه دادن و پژوهش در کلام" را بر مکلفان واجب شمارد. موضع گیری فقه در قبال علوم دیگر، در دو زمینه انجام می گیرد، این دو زمینه عبارت از پرداختن به علوم و بکارگیری نتایج آنها می باشد.

حجت الاسلام مبلغی ادامه داد: فقه در زمینه پرداختن به علوم دو فعالیت را بر عهده دارد، یکی حکم به وجوب پرداختن به علم یا علمی خاص با هدف فعال شده حضور آن ها در جامعه است و این هنگامی است که ضرورت علمی برای جامعه و تمدن احراز گردد، و دیگر این که در خصوص برخی از زمینه های پژوهش در آن ها اظهار نظر می کند. وی افزود: فقه نیز همانند اخلاق که امروزه در ارتباط با علوم و پژوهش در آنها به کار گرفته می شود به کار گرفته باید گرفته شود، البته روشن است این هنگامی است که یک علم و یا دامنه های آن علم، بشریت را تهدید کند و در غیر موارد مخاطره انگیز، فقه نباید دخالت کند.

حجت الاسلام والمسلمین مبلغی در ارتباط با دخالت فقه در به کارگیری نتایج علوم گفت: اینکه از یک علم چگونه بهره گیری به عمل آید، فقه می تواند اظهار نظر کند. فقه با دخالت خود، از جامعه می خواهد که فرآورده های علوم را در زمینه های خدمت به معنویت و رفاه و پیشرفت بکار گیرند، و از قرار دادن آن ها در جهت فساد و یا گشودن مشکلاتی برای انسان ها اجتناب کنند.

رئیس مرکز تحقیقات اسلامی مجلس افزود: فقه می تواند یک وضعیت دو لایه ای نفی و اثباتی در قبال علوم دیگر داشته باشد، به عنوان نمونه، برخی از مطالعات تجربی که برای بشریت مخاطرات در بر دارد را امری غیراخلاقی معرفی کند. نسبت به حضور فقه در تمدن، ما می توانیم دو ساحت "کمیت، حجم آموزه ها و داشته های فقه" و "کیفیت، توان پاسخگویی در قبال نیازهای تمدنی" را در نظر بگیریم.

وی با اشاره به اینکه فقه با عطش سیراب نشدن، ذاتا دنبال توسعه خود است، افزود: فقه یک رکن خود را موضوع قرار داده و موضوع هم امری نیست که شرع ارائه کرده باشد (به جز آن موضوعات مختصره). بنابراین باب موضوعات برای فقه مفتوح است، هر مسأله که بر فقه عرضه گردد بر اساس آن موضوع جدید می تواند گزاره جدیدی بسازد، انبوه این گزاره ها که از دنیای پرتحول و پرشتاب امروز موضوعات آن اخذ می گردد فقه را در مسیر توسعه پذیری پرشتابی قرار می دهد.

رئیس دانشگاه مذاهب اسلامی گفت: اگر فقه در جامعه ای در حد ایستا قرار گیرد و از حیث توسعه ای و ساختاری به پیش حرکت نکند قطعا آن جامعه در قبال فقه در یک وضعیت نارسا، پر از کاستی و ضعف قرار می گیرد، البته پیداست قبل از آنکه نوبت به جامعه برسد خود فقه و فقیهان باید روش علمی پرداختن به مسائل نو را منقح و کارآمد سازند. فقه در وضع فعلی آن، حجم کمی در قبال دنیای پررمز و راز و پر مساله تمدن، دارد که لازم است فقیهان با گستردن دامنه های فقه به مسائل مهم رفتاری انسان ها، فقه را توسعه ای در خور بدهند.

وی با اشاره به نارسایی در ساختار فقه گفت: اگر چه فقه نیرومند است و منابع آن از غنا و عمقی بی نظیر برخوردار می باشد،

ولی به دلیل آنکه ساختار فقه، قرن هاست تغییر پیدا نکرده است فقه به صورت عینی و عملی چتر خود را بر سر بسیاری از تحولات نگسترده است. و به تعبیری اکثر مسائل نوپیدای جامعه، خارج از چارچوب ساختاری فقه قرار گرفته اند و سهم و حظی از بررسی فقهی به خود ندیده اند. از این رو لازم است فقیهان ساختار تبویبی فقه را قابلیت پوشش دهی در قبال مسائل نوپیدا ببخشند.

وی ادامه داد: فقه واجد شان توسعه پذیر است بر این اساس اگر بخواهیم فقه را در خدمت تمدن قرار دهیم باید ابتدا به مطالعات عمیق تمدنی در فقه بپردازیم و آنگاه تعریفی از توسعه ساختاری فقه در قبال تمدن را ارائه دهیم.

حجت الاسلام مبلغی ادامه داد: هم ساختار فقه و هم روش علم باید دستخوش تنقیح و تعمیق قرار گیرد، ساختار در صورت بازسازی جهت توسعه کمی و کیفی، فرصت لازم را برای فرآوری فقیهان ایجاد می کند و توسعه علم بدون بازسازی ساختار فقه، امری نشدنی و یا کم موفقیت است. ساختار فقه باید عقلانی، فضا دهنده و فرصت دهنده باشد و ایده آن نیز از دل مبانی فقه و فلسفه آن بجوشد و با هویت فقه نیز سازگاری داشته باشد.

وی لازمه توسعه کمی را تحول در ساختار فقه و پیش شرط توسعه کیفی را نیز توسعه منهجی و تنقیح منهج فقه دانست و گفت: فقه ما یک فقه عام نیست که در همه حوزه ها عناصر منهجی فقه را یکسان بدون کم و زیاد شدن ببینیم بلکه فقه به لحاظ تخصصی بودن لازم است شعبه شعبه و رشته رشته شود و در هر رشته و شعبه ای به فراخور آن، روش فقه بازسازی و بازتنظیم گردد. از این رو باید اجتهاد معطوف به تمدن، اجتهاد معطوف به فرهنگ و اجتهاد معطوف به تقنین داشته باشیم و همه این اجتهادها از حیث منهجی عناصر مشترکی را دارا هستند ولی بحث در عناصر مشترک روش اجتهاد نیست بحث در این است که در هر شعبه و رشته باید عناصری که متناسب با متعلق آن اجتهاد است شناسایی کرد و آن را در روش آن اجتهاد به کار گرفت. تبعا این عناصر باید در علم اصول به اثبات برسند.

حجت الاسلام مبلغی گفت: فقه را سراسیمه وار و بدون مطالعه به سمت تمدن فرستادن روا نیست و کارآمدی ندارد و نه تنها تمدن را اصلاح نمی کند ممکن است در آستین خود آسیب هایی را نیز داشته باشد و زیرساختهای تمدنی را نادیده بگیرد. تمدن به مثابه یک شبکه و مجموعه پیچیده اجتماعی است که ایجاد ارتباط بین فقه و این شبکه نیازمند مطالعات عمیق پیشینی نسبت به شناخت این تمدن از یک طرف و تنقیح روش استنباط در قبال این تمدن از طرف دیگر است.

حجت الاسلام مبلغی تصریح کرد: یقینا مطالعات تمدن شناسانه باید حاوی دو بخش گردد بخش اول به شناخت مختصات و شناخت تمدن خواه اسلامی و غیر اسلامی اختصاص یابد و بخش دوم به شناخت خصیصه های تمدن اسلامی به صورت عام و کلی تعلق یابد.

وی با طرح این سؤال که آیا فقه را بدون پشتوانه کلام، اخلاق و علوم دیگر دینی می توان به عرصه تمدن تزریق کرد، گفت: فقه اگر از حیث عملی بخواهد روی تمدن دست بیفکند و به شکل انحصاری و اختصاصی وارد شود بدون پشتیبانی علوم دیگر اسلامی نمی تواند موفق شود ولو اینکه فقه نیرومند قوی هم باشد.

وی ادامه داد: در تمدن اسلامی قبل از هر چیز، باید جامعه ایمانی باشد و حیات، کیان و موجودیت فقه مرهون این وضعیت است، اگر جامعه مومن باشد، ایمان را کلام و اعتقادات ایجاد می کند و علم تهذیب نفس، هم حفظ ایمان را تضمین می کند. در پرداختن به تمدن، به تخصص به شدت نیازمند است از این رو می توان گفت باید جامعه مؤمن گردد و علوم و مختصات لازم را در تمدن ایجاد کرد و به فقه حضوری نیرومند بخشید. یکی از علوم مورد نیاز در جامعه برای پی افکندن تمدن اسلامی علم تهذیب نفس است.

وی همچنین به سؤالات محققان پیرامون "علم تهذیب نفس، اهمیت و چگونگی ایجاد"، "روش فقهی و تنويع اجتهاد"، "نسبت فقه با علوم دیگر"، "آسیب شناسی فقه موجود"، "نسبت بین فقه و تمدن و پیش فرضهای آن" و... پاسخ داد.